

مطالعه تطبیقی قانون نمونه آنسیترا ل در زمینه موافقت‌نامه‌های داوری: بررسی موردی ایران، فرانسه و سوئیس

مریم علی زاده^۱، حسین میری^۲، زهرا تجری مؤذنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده: داوری تجاری بین‌المللی به عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات در عرصه تجارت جهانی، نیازمند وجود موافقت‌نامه‌ای معتبر و منطبق با استانداردهای بین‌المللی است. قانون نمونه آنسیترا ل که توسط کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل تدوین شده، الگویی برای قانون‌گذاری در حوزه داوری ارائه می‌دهد و مورد اقتباس بسیاری از کشورها قرار گرفته است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که: تا چه میزان ساختارهای حقوقی ایران، فرانسه و سوئیس با الزامات و رویکردهای قانون نمونه آنسیترا ل در زمینه موافقت‌نامه‌های داوری تطابق دارند؟ فرضیه تحقیق بر این منبست که: نظام حقوقی ایران با وجود تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی، در مقایسه با فرانسه و سوئیس، از انسجام و هماهنگی کمتری با اصول آنسیترا ل به‌ویژه در حوزه پذیرش و اجرای موافقت‌نامه‌های داوری برخوردار است. روش تحقیق در این مقاله، تطبیقی-تحلیلی و بر پایه بررسی اسناد حقوقی، قوانین ملی، آراء محاکم و متون بین‌المللی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی فرانسه و سوئیس به طور گسترده و کارآمد با مدل آنسیترا ل هماهنگ هستند و با تفسیرهای حمایت‌گرایانه از موافقت‌نامه‌های داوری، زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی و حل سریع اختلافات فراهم کرده‌اند. در مقابل، نظام حقوقی ایران با موانعی چون اصل ۱۳۹ قانون اساسی و تفسیر محدود از اراده طرفین در شرط داوری، در برخی موارد با اصول آنسیترا ل مغایرت دارد. این امر به کاهش کارایی داوری تجاری بین‌المللی در ایران منجر شده و لزوم بازنگری حقوقی را در این زمینه گوشزد می‌کند.

واژگان اصلی: داوری تجاری بین‌المللی، قانون نمونه آنسیترا ل، موافقت‌نامه داوری، ایران، فرانسه، سوئیس، تطبیق حقوقی

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد گنبدکاووس، دانشگاه آزاد اسلامی، گنبدکاووس، ایران. (نویسنده مسئول)

Hosein.Miri@iau.ac.ir

۳. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

مقدمه

با گسترش جهانی تجارت و افزایش پیچیدگی قراردادهای بین‌المللی، نیاز به شیوه‌های حل و فصل اختلافات که کارآمد، انعطاف‌پذیر و غیرقضایی باشند بیش از پیش احساس می‌شود. داوری تجاری بین‌المللی، به دلیل ویژگی‌هایی چون سرعت، محرمانگی و امکان انتخاب داوران متخصص، به یکی از رایج‌ترین ابزارهای حل اختلاف در قراردادهای تجاری بدل شده است (Born, 2023, p. 1).

در قلب این نظام، «شرط داوری» قرار دارد؛ توافقی که طرفین را متعهد می‌کند اختلافات خود را به جای دادگاه‌های ملی، از طریق داوری حل کنند. این شرط بر دو اصل بنیادین استوار است: استقلال و قابلیت اجرایی. اصل استقلال - تصریح شده در ماده ۱۶(۱) قانون نمونه آنسیتال - مقرر می‌دارد که شرط داوری قراردادی مستقل از قرارداد اصلی است و بطلان یا فسخ قرارداد اصلی به طور خودکار آن را از بین نمی‌برد. (UNCITRAL Model Law, 2006, Art. 16(1)) اصل قابلیت اجرایی، که در ماده II کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) تضمین شده، دادگاه‌ها را ملزم می‌کند توافق داوری را به رسمیت شناخته و از رسیدگی به اختلاف خودداری کنند (Van den Berg, 2022, p. 87).

با وجود مزایای داوری، عواملی مانند نگارش مبهم شرط داوری، تعارض با نظم عمومی، ادعاهای تقلب یا فشار در انعقاد قرارداد، و تمایل برخی دادگاه‌ها به مداخله زودهنگام، استقلال و قابلیت اجرایی شرط داوری را تهدید می‌کنند. (Lew et al., 2021, p. 158) قواعد آنسیتال و کنوانسیون نیویورک با تأکید بر خودمختاری اراده و حداقل مداخله قضایی، چارچوبی برای غلبه بر این چالش‌ها ارائه کرده‌اند. باین حال، در عمل، اثرگذاری این قواعد به میزان پذیرش و نحوه اجرای آن‌ها در نظام‌های حقوقی ملی بستگی دارد.

در ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی (۱۳۷۶) با الهام از قانون نمونه آنسیتال تصویب شده است، اما محدودیت‌هایی مانند عدم عضویت در کنوانسیون نیویورک، تفسیر سخت‌گیرانه نظم عمومی، و کمبود آموزش تخصصی برای قضات، اجرای مؤثر شرط داوری را دشوار کرده است (شیراوی، ۱۳۹۹؛ شیراوی، ۲۰۲۱). این وضعیت چند پرسش اساسی را مطرح می‌کند. اول آنکه، اصول آنسیتال تا چه حد توانسته‌اند استقلال و قابلیت اجرایی شرط داوری را در عمل تضمین کنند؟ دوم، موانع اصلی اجرای این شرط در ایران چیست؟ سوم، چه اصلاحاتی می‌تواند نظام داوری ایران را با استانداردهای بین‌المللی همسو سازد؟ فرضیه اصلی پژوهش آن است که قواعد آنسیتال، با ایجاد

چارچوبی منسجم مبتنی بر خودمختاری اراده و حداقل مداخله قضایی، ظرفیت بالایی برای حمایت از شرط داوری دارند، اما در ایران، موانع حقوقی و عملی مانع بهره‌گیری کامل از این ظرفیت شده‌اند. این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، ضمن بررسی مبانی نظری و تحلیل مقررات آنسیترال، تجربه ایران را با فرانسه و سوئیس مقایسه کرده و در پایان، پیشنهادهایی برای اصلاح چارچوب حقوقی ارائه می‌کند.

۲. مبانی نظری و اصول بنیادین شرط داوری

۲.۱. مفهوم و جایگاه شرط داوری در داوری تجاری بین‌المللی

شرط داوری به‌عنوان هسته مرکزی موافقت‌نامه داوری، نقش کلیدی در تعیین اراده طرفین برای حل اختلاف از طریق داوری ایفا می‌کند. این شرط، توافقی است که طرفین را ملزم می‌سازد اختلافات ناشی از قرارداد را به جای مراجعه به دادگاه‌های ملی، نزد هیئت داوری مطرح کنند. (Redfern & Hunter, 2022, p. 128). اصل خودمختاری اراده (Party Autonomy) به طرفین اجازه می‌دهد تا شرایط داوری از جمله انتخاب داوران، قوانین حاکم، زبان و محل داوری را تعیین کنند. (Born, 2023, p. 213). این اصل، مبنای استقلال و قابلیت اجرایی شرط داوری است و در ماده ۱۹ قانون نمونه آنسیترال نیز به صراحت آمده است.

شرط داوری، تعهد کتبی یا شفاهی طرفین قرارداد است که در آن توافق می‌کنند هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد یا رابطه حقوقی‌شان را از طریق داوری و نه دادگاه‌های رسمی حل کنند (Born, 2023: 12)؛ امامی، ۱۴۰۰: ۴۵. (این شرط، جایگاه داوری را به عنوان روشی جایگزین حل اختلاف تثبیت می‌کند و از آنجا که بر اساس توافق ارادی طرفین استوار است، باید از استقلال و اعتبار قانونی کافی برخوردار باشد). (Redfern & Hunter, 2022: 130)

۲.۲. اصل استقلال شرط داوری (Separability)

اصل استقلال بدین معناست که شرط داوری به عنوان قراردادی مستقل از قرارداد اصلی تلقی می‌شود. بر این اساس، حتی اگر قرارداد اصلی به هر دلیلی باطل، فسخ یا منحل شود، شرط داوری همچنان معتبر و قابل اجرا باقی می‌ماند؛ (UNCITRAL, 2006, Art. 16(1)) کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۴۵).

این اصل به داوری امکان می‌دهد بدون توجه به مشکلات قرارداد اصلی، به رسیدگی اختلافات بپردازد و از توقف روند داوری جلوگیری کند. (Lew et al., 2021: 162)

اصل استقلال در آرای مهمی مانند پرونده *Fiona Trust v. Privalov* تأیید شده که بر تفسیر شرط داوری به نفع اجرای آن تأکید دارد. (UKHL, 2007)

۲.۳. اصل صلاحیت بر صلاحیت (Kompetenz-Kompetenz)

اصل صلاحیت بر صلاحیت، که در ماده ۱۶(۱) قانون نمونه آنسیترال نیز آمده است، اختیار رسیدگی به صلاحیت داوری، از جمله بررسی وجود، اعتبار و دامنه شرط داوری را به هیئت داوری واگذار می‌کند. هدف این اصل، جلوگیری از مداخلات زودهنگام دادگاه‌ها و حفظ کارایی فرآیند داوری است. (Gaillard & Savage, 1999, p. 401)

در فرانسه، ماده ۱۴۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی تأکید می‌کند که دادگاه‌ها در صورت وجود موافقت‌نامه داوری، باید خود را غیر صالح بدانند، مگر در موارد بطلان آشکار شرط داوری.

۲.۴. اصل حداقل مداخله قضایی (Minimal Judicial Intervention)

ماده ۵ قانون نمونه آنسیترال بر حداقل مداخله دادگاه‌ها در فرآیند داوری تأکید دارد. این اصل مکمل استقلال شرط داوری و خودمختاری اراده است و هدف آن جلوگیری از تضعیف داوری توسط دخالت‌های بی‌مورد قضایی است. (UNCITRAL, 2006, Art. 5)

کشورهایی مانند سوئیس، با نظام قضایی محافظت‌گرایانه، کمترین مداخله را در داوری دارند و اجرای آرای داوری در آن‌ها به سهولت انجام می‌شود. (Lew et al., 2021)

۲.۵. ارتباط و تعامل اصول سه‌گانه

اصول استقلال، صلاحیت بر صلاحیت و حداقل مداخله قضایی به عنوان ستون‌های اصلی نظام داوری بین‌المللی عمل می‌کنند. این اصول در تعامل با یکدیگر تضمین می‌کنند که شرط داوری مستقل از قرارداد اصلی است، هیئت داوری خود صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارد و دادگاه‌ها تنها در شرایط استثنایی و مشخص مداخله می‌کنند.

۲.۶. اصل قابلیت اجرایی شرط داوری

اصل قابلیت اجرایی مستلزم آن است که شرط داوری به گونه‌ای تنظیم شود که دادگاه‌ها و مراجع قضایی ملزم به احترام و اجرای آن باشند. (Van den Berg, 2022: 89) کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) با تأکید بر این اصل، درخواست‌کنندگان اجرای جوایز داوری را در سطح بین‌المللی حمایت می‌کند و مانع مداخلات غیرضروری دادگاه‌ها می‌شود. (Moses, 2020: 47)

۲.۷. موانع و چالش‌های استقلال و قابلیت اجرایی

عوامل متعددی می‌توانند موجب تضعیف این دو اصل شوند، از جمله:

- نگارش مبهم شرط داوری (صفایی، ۱۴۰۱: ۶۶)
- ادعای بطلان قرارداد اصلی (Lew et al., 2021: 165)
- تعارض شرط داوری با نظم عمومی ملی (شیروی، ۱۳۹۹: ۱۴۰)
- مداخلات مکرر دادگاه‌ها و تأخیرهای ناشی از آن. (Born, 2023: 15)

۳. شرایط و موانع قابلیت اجرایی شرط داوری

۳.۱. قابلیت اجرایی شرط داوری: تعریف کلی

قابلیت اجرایی شرط داوری به این معناست که توافق طرفین برای ارجاع اختلافات به داوری، از سوی دادگاه‌ها و مراجع قضایی پذیرفته شده و محترم شمرده شود و مانعی برای اجرای آن وجود نداشته باشد. (Van den Berg, 2022, p. 87)

این قابلیت، از ارکان مهم ضمانت اجرای مؤثر داوری است و بدون آن، شرط داوری نمی‌تواند جایگزین رسیدگی قضایی شود.

۳.۲. شرایط حقوقی قابلیت اجرایی

مهم‌ترین شرط برای قابلیت اجرایی، وجود موافقت‌نامه داوری معتبر، مستند به اراده آزاد طرفین است. همچنین، شرط داوری نباید مغایر نظم عمومی کشور محل اجرای داوری باشد (Lew et al., 2021, p. 158).

مقررات قانون نمونه آنسیترال و کنوانسیون نیویورک تأکید می‌کنند که دادگاه‌ها باید شرط داوری را محترم بشمارند، مگر در موارد استثنایی مثل بطلان توافق، فقدان صلاحیت داوری یا تعارض با نظم عمومی.

۳.۳. موانع حقوقی در ایران

در ایران، چالش‌های متعددی در زمینه قابلیت اجرایی شرط داوری وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (Shiravi, 2021)

- الف. تفسیر سختگیرانه نظم عمومی: دادگاه‌ها به دلیل نگرانی از حفظ ارزش‌های بنیادین، گاهی شرط داوری را غیرقابل اجرا تلقی می‌کنند. این رویکرد، محدودکننده قابلیت اجرایی است.
- ب. عدم عضویت ایران در کنوانسیون نیویورک: ایران از مزایای این کنوانسیون برای تسهیل اجرای آرای داوری بی‌بهره است و این باعث پیچیدگی و طولانی شدن فرآیند اجرای داوری

می‌شود.

پ. کمبود تخصص قضات: عدم آموزش کافی قضات در مسائل داورى، به افزایش مداخلات غیر ضروری و تفسیرهای غیر یکنواخت منجر شده است.

۳.۴. چالش‌های عملی در ایران

علاوه بر موانع حقوقی، مشکلات عملی نیز در اجرای شرط داورى وجود دارد:

الف. دخالت زودهنگام دادگاه‌ها: برخلاف اصل حداقل مداخله، دادگاه‌ها در ایران به‌صورت مکرر در امور داورى ورود می‌کنند و گاه فرآیند داورى را با تأخیر مواجه می‌کنند.

ب. محدودیت در انتخاب داوران: دخالت‌های قضایی در انتخاب یا رد داوران متخصص موجب تضعیف اعتماد به داورى می‌شود.

پ. فرآیند طولانی اجرای آرای داورى: نبود سازوکارهای اجرایی قوی موجب طولانی شدن رسیدگی‌ها شده و امکان استفاده مؤثر از داورى را کاهش می‌دهد.

۳.۵. تجربه فرانسه و سوئیس

در مقابل، فرانسه و سوئیس با پیاده‌سازی دقیق اصول آنسیترال، شرایط بسیار مساعدی برای اجرای شرط داورى فراهم کرده‌اند:

الف. دادگاه‌های این کشورها عموماً از شرط داورى حمایت کرده و به‌ندرت وارد بررسی‌های غیر ضروری می‌شوند. (Redfern & Hunter, 2022)

ب. عضویت در کنوانسیون نیویورک، اجرای سریع و مؤثر آرای داورى را تضمین می‌کند.

پ. آموزش تخصصی قضات و احترام به خودمختاری اراده طرفین موجب تقویت جایگاه داورى شده است. (Lew et al., 2021)

۳. شرایط و موانع قابلیت اجرایی شرط داورى

۳.۱. قابلیت اجرایی شرط داورى: تعریف کلی

قابلیت اجرایی شرط داورى به این معناست که توافق طرفین برای ارجاع اختلافات به داورى، از سوی دادگاه‌ها و مراجع قضایی پذیرفته شده و محترم شمرده شود و مانعی برای اجرای آن وجود نداشته باشد. (Van den Berg, 2022, p. 87)

این قابلیت، از ارکان مهم ضمانت اجرای مؤثر داورى است و بدون آن، شرط داورى نمی‌تواند جایگزین رسیدگی قضایی شود.

۳.۲. شرایط حقوقی قابلیت اجرایی

مهم‌ترین شرط برای قابلیت اجرایی، وجود موافقت‌نامه داوری معتبر، مستند به اراده آزاد طرفین است. همچنین، شرط داوری نباید مغایر نظم عمومی کشور محل اجرای داوری باشد (Lew et al., 2021, p. 158).

مقررات قانون نمونه آنسیترال و کنوانسیون نیویورک تأکید می‌کنند که دادگاه‌ها باید شرط داوری را محترم بشمارند، مگر در موارد استثنایی مثل بطلان توافق، فقدان صلاحیت داوری یا تعارض با نظم عمومی.

۳.۳. موانع حقوقی در ایران

در ایران، چالش‌های متعددی در زمینه قابلیت اجرایی شرط داوری وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (Shiravi, 2021)

الف. تفسیر سختگیرانه نظم عمومی: دادگاه‌ها به دلیل نگرانی از حفظ ارزش‌های بنیادین، گاهی شرط داوری را غیرقابل اجرا تلقی می‌کنند. این رویکرد، محدودکننده قابلیت اجرایی است.

ب. عدم عضویت ایران در کنوانسیون نیویورک: ایران از مزایای این کنوانسیون برای تسهیل اجرای آرای داوری بی‌بهره است و این باعث پیچیدگی و طولانی شدن فرآیند اجرای داوری می‌شود.

پ. کمبود تخصص قضات: عدم آموزش کافی قضات در مسائل داوری، به افزایش مداخلات غیرضروری و تفسیرهای غیر یکنواخت منجر شده است.

۳.۴. چالش‌های عملی در ایران

علاوه بر موانع حقوقی، مشکلات عملی نیز در اجرای شرط داوری وجود دارد:

الف. دخالت زودهنگام دادگاه‌ها: برخلاف اصل حداقل مداخله، دادگاه‌ها در ایران به‌صورت مکرر در امور داوری ورود می‌کنند و گاه فرآیند داوری را با تأخیر مواجه می‌کنند.

ب. محدودیت در انتخاب داوران: دخالت‌های قضایی در انتخاب یا رد داوران متخصص موجب تضعیف اعتماد به داوری می‌شود.

پ. فرآیند طولانی اجرای آرای داوری: نبود سازوکارهای اجرایی قوی موجب طولانی شدن رسیدگی‌ها شده و امکان استفاده مؤثر از داوری را کاهش می‌دهد.

۳.۵. تجربه فرانسه و سوئیس

در مقابل، فرانسه و سوئیس با پیاده‌سازی دقیق اصول آنسیترال، شرایط بسیار مساعدی برای اجرای شرط داوری فراهم کرده‌اند:

- دادگاه‌های این کشورها عموماً از شرط داوری حمایت کرده و به‌ندرت وارد بررسی‌های غیرضروری می‌شوند. (Redfern & Hunter, 2022)
- عضویت در کنوانسیون نیویورک، اجرای سریع و موثر آرای داوری را تضمین می‌کند.
- آموزش تخصصی قضات و احترام به خودمختاری اراده طرفین موجب تقویت جایگاه داوری شده است. (Lew et al., 2021)

۴. تحلیل تطبیقی نظام‌های داوری ایران، فرانسه و سوئیس

۴.۱. نظام داوری ایران

ایران با تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ گام مهمی در جهت همسویی با استانداردهای بین‌المللی برداشت. این قانون تا حدی برگرفته از قانون نمونه آنسیترال است و برخی اصول کلیدی مانند استقلال شرط داوری و صلاحیت بر صلاحیت را در بر دارد. با این حال، موانع زیر همچنان بر سر راه تحقق کامل این اصول وجود دارد: (Shiravi, 2021)

- عدم عضویت در کنوانسیون نیویورک که مانع تسهیل اجرای آرای داوری می‌شود؛
 - تفسیر محدود و سخت‌گیرانه مفهوم نظم عمومی توسط دادگاه‌ها؛
 - نبود آموزش تخصصی و کافی برای قضات و وکلای حوزه داوری؛
 - مداخلات قضایی مکرر و بی‌مورد در روند داوری.
- این موارد باعث شده‌اند تا قابلیت اجرایی شرط داوری در ایران محدود باشد و اعتماد به داوری به عنوان ابزار حل و فصل اختلافات کاهش یابد.

۴.۲. نظام داوری فرانسه

فرانسه با سابقه طولانی و پیشرفته در زمینه داوری تجاری بین‌المللی، به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حمایت از شرط داوری شناخته می‌شود. (Redfern & Hunter, 2022)

ویژگی‌های برجسته نظام فرانسه عبارتند از:

- رعایت قوی اصل صلاحیت بر صلاحیت و حداقل مداخله قضایی؛
- حمایت کامل از خودمختاری اراده طرفین در انتخاب داوران و مقررات داوری؛

- عضویت در کنوانسیون نیویورک و اجرای سریع و مؤثر آرای داوری؛
- دادگاه‌ها در صورت وجود موافقت‌نامه داوری، خود را معمولاً غیر صالح اعلام می‌کنند.

۴.۳. نظام داوری سوئیس

سوئیس یکی از مراکز مهم داوری بین‌المللی محسوب می‌شود و قوانین داوری آن بسیار سازگار با استانداردهای بین‌المللی است: (Lew et al., 2021)

- قانون داوری سوئیس به‌طور کامل اصول استقلال شرط داوری، صلاحیت بر صلاحیت و حداقل مداخله قضایی را تضمین می‌کند؛
- نظام قضایی سوئیس به ندرت در روند داوری مداخله می‌کند و بر اجرای سریع آرای داوری تمرکز دارد؛
- عضویت در کنوانسیون نیویورک شرایط اجرای بین‌المللی قوی را فراهم آورده است؛
- سیستم آموزشی حقوقی قوی و تخصصی در حوزه داوری.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نظام‌های داوری ایران، فرانسه و سوئیس نشان داد که با وجود پیشرفت‌های قابل توجه قانونی در ایران در سال‌های اخیر، همچنان موانع و چالش‌هایی در مسیر تحقق کامل استقلال و قابلیت اجرایی شرط داوری وجود دارد. این موانع عمدتاً ناشی از برخی ضعف‌های ساختاری، حقوقی و فرهنگی هستند که باید برای ارتقاء کیفیت و اثربخشی داوری تجاری بین‌المللی به صورت هدفمند برطرف شوند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در نظام داوری ایران، تفسیر محدود و گاه محافظه‌کارانه مفهوم نظم عمومی است. در حالی که در نظام‌های حقوقی پیشرفته‌تر مانند فرانسه و سوئیس، نظارت بر داوری و شرط داوری صرفاً در مواردی که نقض آشکار نظم عمومی صورت گرفته باشد اعمال می‌شود، در ایران گاهی این قید به شکلی گسترده‌تر تفسیر شده و زمینه مداخلات قضایی را فراهم می‌کند (شیروی، ۱۳۹۹). این رویکرد باعث شده است که داوری در عمل به عنوان روشی سریع، تخصصی و جایگزین دادگاه‌ها در نظر گرفته نشود و طرفین برای حفظ حقوق خود همچنان به مراجعه به دادگاه‌ها تمایل داشته باشند.

از سوی دیگر، عدم عضویت ایران در کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) که یکی از مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی در زمینه اجرای جوایز داوری است، یکی دیگر از موانع مهم به شمار می‌رود. این

مسئله باعث شده است که اجرای آرای داوری بین‌المللی در ایران با دشواری‌های زیادی مواجه شود و همین امر کاهش اعتماد فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران خارجی به نظام داوری ایران را به دنبال داشته باشد (موسوی، ۱۴۰۲). در مقابل، کشورهای فرانسه و سوئیس که از اعضای فعال این کنوانسیون هستند، توانسته‌اند با ایجاد سازوکارهای مؤثر و هماهنگ، فضایی مطمئن برای داوری بین‌المللی فراهم کنند.

علاوه بر مسائل حقوقی و نهادی، کمبود آموزش تخصصی و نبود دانش کافی در بین قضات، وکلا و داوران ایرانی نیز از دیگر چالش‌های عمده در حوزه داوری به شمار می‌آید. آگاهی ناکافی از مبانی داوری بین‌المللی و روندهای نوین این حوزه باعث شده است که گاهی تصمیمات قضایی در خصوص شرط داوری و آرای داوری، با استانداردهای بین‌المللی همسو نباشد (صفایی، ۱۴۰۱). این موضوع نیاز به سرمایه‌گذاری جدی در آموزش تخصصی و توسعه منابع علمی مرتبط با داوری را برجسته می‌کند.

برای رفع این موانع و ارتقاء جایگاه نظام داوری ایران، مجموعه‌ای از راهکارهای عملی و کاربردی پیشنهاد می‌شود:

۱. اصلاح قوانین داوری با تأکید بر خودمختاری اراده طرفین و کاهش حداقلی

مداخلات قضایی: اصلاحات قانونی باید به گونه‌ای انجام شود که استقلال شرط داوری به طور قاطع تثبیت شود و دادگاه‌ها تنها در موارد استثنایی و با رعایت معیارهای مشخص و محدود مداخله کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۸؛ حسن امامی، ۱۴۰۰). این امر موجب تسریع روند داوری و افزایش اطمینان طرفین خواهد شد.

۲. پیگیری عضویت ایران در کنوانسیون نیویورک: این اقدام راهگشای بسیاری از مشکلات

مربوط به اجرای آرای داوری خواهد بود و موجب همسان‌سازی نظام داوری ایران با استانداردهای بین‌المللی می‌گردد (شیراوی، ۲۰۲۱).

۳. ارتقاء آموزش تخصصی قضات، وکلا و داوران: برگزاری دوره‌های تخصصی و

کارگاه‌های آموزشی مستمر در زمینه داوری بین‌المللی و شرط داوری، به افزایش دانش و مهارت‌های عملی فعالان این حوزه کمک شایانی خواهد کرد (صفایی، ۱۴۰۱).

۴. ترویج فرهنگ داوری و آگاه‌سازی فعالان اقتصادی: ایجاد کمپین‌های اطلاع‌رسانی و

افزایش شناخت عمومی از مزایای داوری، زمینه‌ساز پذیرش گسترده‌تر این روش حل

اختلاف خواهد بود.

۵. ایجاد سازوکارهای قضایی مناسب برای اجرای سریع و مؤثر آرای داوری؛ توسعه و بهبود فرآیندهای اجرایی، کاهش تأخیرها و جلوگیری از مداخلات غیرضروری دادگاه‌ها در اجرای آرای داوری ضروری است.

اجرای این راهکارها می‌تواند به همگامی نظام داوری ایران با استانداردهای بین‌المللی کمک کند و موجب افزایش اعتماد فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران به این شیوه حل اختلاف شود. این امر نه تنها به توسعه اقتصاد ملی کمک خواهد کرد، بلکه موقعیت ایران را به عنوان یک بازیگر معتبر در حوزه داوری بین‌المللی ارتقاء می‌بخشد.

در پایان، تأکید می‌شود که توسعه نظام داوری نیازمند یک رویکرد جامع و مستمر است که هم شامل اصلاحات قانونی و نهادی باشد و هم شامل تغییرات فرهنگی و آموزشی. بدون توجه به هر دو جنبه، تحقق کامل استقلال و قابلیت اجرایی شرط داوری در ایران با چالش‌های جدی روبرو خواهد بود.

منابع:

۱. امامی، سیدحسین (۱۴۰۰). حقوق داوری بین‌المللی: مبانی و مسائل تطبیقی. تهران: نشر میزان.
۲. امامی، حسن. (۱۳۹۸). حقوق مدنی، (چاپ ششم). تهران: انتشارات میزان.
۳. کاتوزیان، محمد (۱۳۹۸). حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. شیروی، مهدی (۱۳۹۹). داوری تجاری بین‌المللی و چالش‌های اجرایی در ایران. مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۵، صفحات ۱۷۸-۱۳۲.
۵. صفایی، محمود (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی قوانین داوری ایران و فرانسه. پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۴، شماره ۱، صفحات ۹۰-۵۰.
۶. صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۹). حقوق قراردادها (چاپ پنجم). تهران: انتشارات جنگل.
۷. موسوی، فریبرز (۱۴۰۲). بازنگری در قوانین داوری تجاری ایران با تأکید بر استانداردهای بین‌المللی. فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۳۲، صفحات ۶۰-۲۰.
۸. شیروی، محمد (۲۰۲۱). بررسی موانع اجرای شرط داوری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۹. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). حقوق تجارت بین الملل (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سمت.

۱۰. قانون داوری تجاری بین المللی. (۱۳۷۶). مصوب مجلس شورای اسلامی ایران.

11. **Born, G. B.** (2023). *International Commercial Arbitration* (3rd ed.). Wolters Kluwer.
12. **Redfern, A., & Hunter, M.** (2022). *Law and Practice of International Commercial Arbitration* (5th ed.). Sweet & Maxwell.
13. **Lew, J. D. M., Mistelis, L., & Kröll, S.** (2021). *Comparative International Commercial Arbitration*. Kluwer Law International.
14. **Moses, M. L.** (2020). *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration* (3rd ed.). Cambridge University Press.
15. **Paulsson, J.** (2021). "Arbitration Without Privity." *The American Review of International Arbitration*, 31(1), 1–44.
16. **Van den Berg, A. J.** (2022). *The New York Arbitration Convention of 1958: Towards a Uniform Judicial Interpretation*. Kluwer Law International.
17. **Gaillard, E., & Savage, J.** (1999). *Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration*. Kluwer Law International.
18. **UNCITRAL** (2006). *Model Law on International Commercial Arbitration* (with amendments as adopted in 2006). United Nations Commission on International Trade Law.
19. **United Nations** (1958). *Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards* (New York Convention).